

### چکیده

این مقاله بر آن است تا نقش معاویه در تضعیف امنیت حوزه خلافت امیرمؤمنان (ع) را با روش توصیفی - تحلیلی بررسی کند. امنیت دنیوی و سلامت اخروی یکی از پایه‌های اساسی معرفت دینی در اسلام و یکی از مقدس‌ترین آرزوهای بشر بوده است. امیرمؤمنان (ع) هدف خود را از پذیرش حکومت برپایی اصلاح در شهرها و امنیت ستم‌دیدگان و اجرای حدود و مقررات الهی اعلام کرده است و امنیت را عامل برپایی مقررات دین، گسترش دانش و اصلاحات و توسعه دانسته است.

با شروع خلافت امیرمؤمنان (ع) معاویه سبیل اشرافیت جاهلی، تجاوز و استکبار و رهبر حزب جاهلی و اشرافی اموی طلقاء، رهبری مخالفان آن حضرت را برعهده گرفت و با تمام تلاش از راه‌های گوناگون به مبارزه با علی (ع) پرداخت و امنیت حوزه خلافت وی را تضعیف کرد، تا آن حضرت را از اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باز دارد. شیوه‌های معاویه در این راه عبارت بود از:

۱- تبلیغات منفی: معاویه با جوسازی، دروغ و نیرنگ، شایعه و اتهام تلاش گسترده‌ای را برای تخریب شخصیت علی (ع) نزد شامیان انجام داد.

۲- شیوه‌های سیاسی: وی برای خود کارنامه‌ای درخشان پرداخت و خود را شایسته خلافت معرفی کرد و خود را

نقش معاویه در

تضعیف امنیت حوزه خلافت

امیر مؤمنان (ع)

دکتر حسن حسینی

معاونیت علمی - دانشگاه تهران

ب - برهم زدن امنیت و آرامش شهرهای حوزه خلافت علی(ع) تا مردم خواهان برقراری امنیت شوند. در این صورت در انظار مردم معاویه شایستگی چنین کاری را داشت.

ج : ایجاد رعب و وحشت تا افراد ترسو و بی تفاوت و حسابگر به سوی معاویه جذب شوند به گونه ای که برخی کارگزاران آن حضرت هنگامی که نتوانستند عدالت علی(ع) را تحمل کنند به معاویه پیوستند.

د: مشغول نگاه داشتن آن حضرت به جنگ و گریزها تا نتواند سپاه نیرومندی را علیه معاویه بسیج کند.

هـ: تضعیف بنیه اقتصادی حوزه خلافت امیرمؤمنان(ع) با غارت روستاها و شهرها.

و: ایجاد روحیه بی تفاوتی و سستی و نافرمانی در بین مردم تابع حوزه خلافت علی(ع) تا اهداف آن حضرت عملی نگردد. ظ: این غارت ها و کشتارهای فجیع اسباب

حزن و اندوه و در نتیجه بیماری جسمی برای آن حضرت فراهم کرد به گونه ای که مدتی نتوانستند در بین مردم حضور پیدا کنند.

ح : تلاش برای کشاندن امام به نقض عهد پیمان صلح صفین تا بتواند امام را متهم کند.

امیرمؤمنان ناامید و با تحریک برخی اصحاب رسول الله(ص) آنان را شایسته خلافت معرفی کرد و به شورش علیه آن حضرت دعوت نمود. وی همچنین طرح براندازی خلافت امیرمؤمنان(ع) را از راه جدایی طلبی دنبال کرد که در مورد مصر موفقیت حاصل کرد ولی در باره مکه و بصره توفیقی نیافت.

۳- راه های نظامی: معاویه در جنگ صفین، پیکاری فرسایشی را به امیرمؤمنان(ع) تحمیل کرد. وی پس از آن که تلفات بسیار و شکست های سختی متحمل گردید. هنگامی که فرجام سپاه خود را شکست و نابودی احساس کرد به نیرنگ و توطئه دست یازید و در این راه با همکاری اشراف قبایل کوفه که خواهان حفظ موقعیت خود بودند پیمان صلحی را بر علی(ع) تحمیل نمود و نام امیرمؤمنان را در پیمان صلح از همراه نام آن حضرت حذف کند.

۴- جنگ و گریزهای پراکنده: معاویه توطئه دیگری که علیه امنیت حوزه خلافت امیرمؤمنان(ع) در پیش گرفت، فرماندهان نظامی خونریز و سنگدل خود را به صورت پراکنده و جنگ و گریز به مناطق تحت تصرف امام علی(ع) فرستاد تا آنان به کشتار و غارت هواداران آن حضرت پردازند. اهداف معاویه از این یورش های ناجوانمردانه عبارت بود از:

الف - کشتار شیعیان علی(ع) تا نیروی نظامی آن حضرت ضعیف گردد.

در این مقاله بر آن هستیم تا نقش معاویه را در تضعیف امنیت ملی و اقتدار خلافت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بررسی کنیم. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی است و جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای از منابع درجه اول تاریخی است و اطلاعات به دست آمده با ابزار مشاهده و استدلال تحلیل می گردد.

در آغاز لازم است اشاره ای کوتاه به مفهوم امنیت داشته باشیم: واژه امنیت، یعنی ایمنی و ایمن بودن و ایمن شدن<sup>(۱)</sup>. در عرف سیاسی امنیت در اشکال فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی به کار برده می شود.

امنیت فردی، عبارت است از حالتی که هر انسانی فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان، مال، آبرو و یا از دست دادن هر کدام از آنها زندگی کند.

امنیت ملی، سازمان ملل متحد امنیت ملی را چنین تعریف کرده است: (( این که کشورها هیچ گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را تعقیب کنند))<sup>(۲)</sup> به عبارت دیگر (( امنیت

ملی عبارت است از اساس آزادی کشور در تعقیب هدف های اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی، اساسی و حیاتی کشور))<sup>(۳)</sup> همچنین مفهوم امنیت ملی عبارت است از ((این که کشورها چگونه سیاست ها و تصمیم های لازم را برای حمایت از ارزش های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی در پیش می گیرند))<sup>(۴)</sup>

در این تعریف امنیت ملی به آزادی، منافع ملی و حیاتی کشور بستگی دارد. این مهم حاصل نمی شود مگر به ظرفیت طبیعی و ژئوپلتیک، ظرفیت بهره برداری از توانمندی ها و ظرفیت استراتژیک یک کشور.

اگر چه واژه امنیت ملی اصطلاحی نو می باشد که در قرن بیستم به ویژه پس از جنگ جهانی دوم متداول شده است ولی دوره های نگرش به آن از آغاز قرن هیجده میلادی بوده است.<sup>(۵)</sup> باید دانست مفهوم امنیت ملی از روزگاران نخستین زندگی انسان همواره مورد توجه قرار داشته است. احساس امنیت و رهایی از کابوس ترسناک ظلم، تجاوز، تهدید و نا امنی از آرمان های

<sup>۱</sup> - علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر تندرز، ۱۳۶۳، ش، ص ۱۷۳.

<sup>۲</sup> - مورتون برکوویتز وی سی باک، امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷، ش، صص ۲۰۶-۱۹۶.

<sup>۳</sup> - محمد بصیری، پیشین، ص ۷۴.

<sup>۱</sup> لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه امنیت.

<sup>۲</sup> - محمد بصیری، تحولات مفهوم امنیت ملی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره یک بهار ۱۳۷۹، ش، صص ۸۴-۶۹.

عمل صالح، اسلام<sup>(۲)</sup> و امانت<sup>(۳)</sup> را موجب آرامش و امانت دانسته است. این نعمت الهی برای پیامبران آرزوی بزرگی بوده است به گونه ای که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خداوند موهبت امانت را برای سرزمین مکه و خاندان خود خواستار شد.<sup>(۴)</sup> قرآن امانت را برای شهرها ضروری دانسته و شهری را که از امانت کامل برخوردار باشد به عنوان الگو معرفی کرده است که نتیجه آن آسایش و اطمینان و روزی فراوان برای مردم آن شهر می باشد. رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمود:

«الامن والاعافیة یغمتان مغتبون فیهما کثیر من الناس»<sup>(۵)</sup> امانت و سلامتی دو نعمت می باشند که بسیاری از مردم در آن فریفته و زیان دیده اند.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) رسول الله (صلی الله علیه و اله) و میثاق الهی را موجب امانت و آسایش و پیمان صلح را عامل نابودی اندوه و ایمنی شهرها دانسته است. آن حضرت هدف خود را از پذیرش حکومت، اصلاح در شهرها و ایجاد امانت برای ستمدیدگان و اجرای حدود و مقررات

کهن بشریت بوده است. دولت ها و نظام های سیاسی و سلطه خویش و تأمین امنیت و آسایش شهروندان می دانسته اند. دغدغه خاطر دولت ها حفظ سرزمین خویش از حمله نظامی و فشارهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بوده است.

بدین سان مفهوم امانت ملی درمرلوحه برنامه نظام های سیاسی در طول تاریخ قرار داشته است. جوهر امانت به حفظ ۱- جان شهروندان ۲- تمامیت ارضی ۳- نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ۴- استقلال و حاکمیت هر کشور بستگی دارد.<sup>(۶)</sup> حاکمیت به میزان اقتدار دولت در جامعه بازمی گردد و دارای دو بعد داخلی و خارجی<sup>(۷)</sup> پیوسته با یکدیگر است. در این صورت حفظ امانت ملی به برقراری مصونیت برای سه رکن کشور، شهروندان و استقلال نظام سیاسی وابسته است. در اینجا شایسته است مقوله امانت در معرفت دینی مورد بررسی قرار گیرد.

**الف- جایگاه امانت:** در اسلام امانت دنیوی و سلامت اخروی یکی از پایه های اساسی معرفت دینی و یکی از مقدس ترین آرمان های بشر می باشد. قرآن، ایمان،

<sup>۲</sup>-سوره انعام، آیه ۸۱ سوره نور، آیه ۵۵.

<sup>۳</sup>-سوره انفال، آیه ۲۷.

<sup>۴</sup>-سوره بقره، آیه ۱۲۶، سوره ابراهیم، آیه ۳۵.

<sup>۵</sup>-نهج الفصاحه، ترجمه وگرد آوری ابوالقاسم پاینده،

تهران انتشارات جاویدان، ص ۲۱۴، شماره ۱۰۶۳.

<sup>۱</sup>- همان ص ۷۷

<sup>۲</sup>- Rod Hague, Martin Harrop and shaun Breslin, comparative Government and politics An Introduction London, Macmillan press LFO, 1992, p. 6.

مردم دانسته است. در نا امنی ستمگران به سخن می آیند و فضای تبلیغی جامعه را در اختیار می گیرند.<sup>(۵)</sup> بدین سان از دیدگاه امیر مومنان (علیه السلام) امنیت از جایگاه رفیعی برخوردار است و عامل بر پای مقررات دین، پیشرفت دانش، اصلاحات و توسعه می باشد.

#### د- عوامل تهدید کننده امنیت:

۱- **سلطه و ستمگری:** قرآن از بین بردن ستم را موجب امنیت دانسته و ستمگری و ستم پذیری<sup>(۶)</sup> را گناهی نابخشوندنی محسوب داشته است و می فرماید: ((آنان که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستم آلوده نمی کنند شایسته امنیت هستند))<sup>(۷)</sup>

۲- **تجاوز:** یعنی نا دیده انگاشتن حق و نقض حقوق ملت ها، استقلال و تمامیت ارضی و حق حاکمیت دولت ها است. قرآن تجاوز را گناهی بزرگ و متجاوز را ستمکار معرفی کرده است و خواهان مقابله به مثل با آن شده است و می فرماید: ((کسی که به شما تجاوز کرد به همان میزان به او تجاوز کنید))<sup>(۸)</sup>

شیوه های معاویه در تضعیف امنیت خلافت علی (علیه السلام) در روزگار خلافت علی (علیه السلام) معاویه رهبری

الهی اعلام کرده است.<sup>(۱)</sup> امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: ((سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند امنیت، عدالت و فراوانی))<sup>(۲)</sup>

ب- **اقتدار حکومت و امنیت:** امیر مومنان (علیه السلام) در این باره می فرماید: «مردم به زمامداری نیک یا ستمکار نیازمندند تا مومنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافر نیز بهره مند گردد و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند و به وسیله آن اموال عمومی جمع آوری گردد و به کمک آن با دشمنان می توان مبارزه کرد. جاده ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود. نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان باشند»<sup>(۳)</sup>

ج- **نتایج نا امنی:** قرآن مجید ایجاد نا امنی را عامل درونی سقوط تمدن ها و ناسپاسی از نعمت های خداوند و نتیجه آن را گرسنگی و ترس<sup>(۴)</sup> دانسته است علی بن ابی طالب (علیه السلام) نا امنی را عامل ایجاد فتنه در جامعه معرفی می کند که نتیجه آن خرابی نشانه های دین، کاهش حکمت، آشفتگی رشته های آیین استوار، نابودی یقین و پیوندهای خویشاوندی، جدایی از اسلام، گسترش بیماری، مهاجرت و فرار

۱- نهج البلاغه، ترجمه و تحقیق محمد دشتی، خطبه ۴۰، ص ۹۳.

۲- سید عباس موسویان کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم، انتشارات دارالفکرین، ۱۳۷۹ شمسی، ص ۴۰.

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۳۱، ص ۲۴۸.

۴- سوره نحل، آیه ۱۱۲.

۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱، ص ۲۷۸.

۶- سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۷- سوره انعام، آیه ۸۲.

۸- سوره بقره، آیه ۱۹۴.

و گفت: ((عراقی ها قصد هجوم به سرزمین شما را دارند و می خواهند شما را از سرزمینتان بیرون کنند و به زنان و فرزندان شما تجاوز کنند))<sup>(۴)</sup> او با در اختیار گرفتن جو تبلیغات شام با دروغ پردازی و نسبت های ناروا به تخریب شخصیت علی (علیه السلام) پرداخت و برای تحریک بیشتر شامی ها اسطوره سازی کرد، سرزمین آنان را جایگاه پیامبران و صالحان معرفی کرد.<sup>(۵)</sup> شامیان توجه است تبلیغات منفی معاویه از سوی علی (علیه السلام) بی پاسخ نمی ماند و آن حضرت به افشاگری درباره وی می پرداختند، به گونه ای که به وی نوشتند: ((امروز ما در راه راستی گام بر می داریم و به ایمان خود پای بند هستیم و شما پیرامون فتنه هستید و از اسلام برگشتید و از دل قبول اسلام ننموده اید و همیشه با (رسول الله صلی الله علیه و اله) در نبرد بودید.))<sup>(۶)</sup>

**ب- راه های سیاسی و نظامی:** معاویه در میان شامیان خود را شایسته خلافت معرفی کرد و برای خویش کارنامه درخشانی پرداخت و به یاران خود گفت: ((من کتاب رسول الله (علیه السلام) بودم و خواهرم همسر پیامبر (صلی الله علیه و اله) بود و من عامل عمر و عثمان بودم، مادرم هند و پدرم ابوسفیان بود. اگر مردم حجاز و عراق با علی

حزب جاهلی و اشرافی اموی طلقاء را برعهده داشت. وی با قدرتی که در روزگار دو خلیفه پیشین برای خود فراهم کرده بود در هنگام خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) رهبری مخالفان آن حضرت را برعهده گرفت و راه سرکشی و مخالفت با خلیفه برحق و انتخابی مهاجران و انصار را در پیش گرفت. وی از راه های گوناگون به مبارزه با علی (علیه السلام) پرداخت و امنیت خلافت وی را تضعیف کرد.

**الف- تبلیغات منفی:** معاویه با شیوه های فرهنگی و تبلیغی باجوسازی، دروغ و نیرنگ و اتهام به وسیله بلندگوهای تبلیغاتی خود شامی ها را علیه امیر مؤمنان (علیه السلام) شورانید. وی علی (علیه السلام) را متهم به قتل عثمان، طلحه و زبیر، عامل مسخره شدن عایشه، قاتل مسلمانان و ترک کننده مدینه منوره معرفی می کرد.<sup>(۱)</sup> همچنین معاویه مردانی را گماشته بود تا زیر پیراهن خون آلود عثمان که به منبر مسجد دمشق آویخته بود، اشک بریزند و بدین وسیله نخبگان قبیله ای<sup>(۲)</sup> و شامیان را تحریک و آماده خونخواهی عثمان کرد. وی در این راه آن چنان موفق گردید که شامی ها علی (علیه السلام) و یاران وی را قاتل عثمان و تارک نماز می دانستند.<sup>(۳)</sup> معاویه در سخنان خود آن حضرت را متجاوز معرفی کرد

<sup>۱</sup>- علی علیه السلام نهج البلاغه نامه ۶۴، ابن قتیبه دینوری، الامامه والسیاسة، ج ۱، ص ۷۰.

<sup>۲</sup>- نصرین مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۵۰.

<sup>۳</sup>- همان، ص ۳۵۴.

۴- ابن اعثم کوفی، الفتوح، المجلد الثانی، ص ۱۶۹.

۵- نصرین مزاحم، پیشین، ص ۳۱.

۶- علی علیه السلام نهج البلاغه، نامه ۶۴.

کرد. از آن جمله نامه ای به زبیر نگاشت و او را امیر مؤمنان نامید و به دروغ گفت از شامی‌ها برای او بیعت گرفته است و از وی خواستار شد کوفه و بصره را تصرف کند.<sup>(۴)</sup>

معاویه همچنین نامه هایی به عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص و محمد بن مسلمة انصاری نگاشت و آنان را علیه امیر مؤمنان (علیه السلام) تحریک کرد.<sup>(۵)</sup>

۴- طرح بر اندازی وجدایی طلبی: پس از اعلام رای داوران معاویه مشکلات فراوانی را برای آن حضرت فراهم کرد. وی طرح بر اندازی حکومت علی (علیه السلام) را از راه جدایی طلبی دنبال کرد و در سرزمین مصر و شهرهای مکه و بصره به وسیله نیروهای هوادار خود در صدد جدا سازی این شهرها از خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) بر آمد.

الف- جدایی مصر:

سرزمین مصر از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار بود. به همین واسطه عمر و بن عاص شرط همکاری خود با معاویه را استناداری بر مصر قرار داد. معاویه پس از جنگ صفین برای تصرف مصر دو نفر از یاران خود به نام های

بیعت کرده اند مردم شام نیز با من بیعت کرده اند و اینان در کار خلافت یکسان هستند))<sup>(۱)</sup> بدین سان معاویه برای فریفتن شامی‌ها سابقه اشرافی خود در جاهلیت و امتیازات خود در اسلام را معیار شایستگی خود برای خلافت معرفی کرد، در حالی که از سوی قرآن و رسول الله (صلی الله علیه و آله) هیچ کدام از آنها ملاک و معیار شایسته ای برای خلافت نبود. معاویه به آرامی برای تصاحب قدرت سیاسی و تضعیف خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) به اقدامات زیر دست زد:

۱- عنوان امیر مؤمنان: معاویه برای فراهم کردن زمینه سیطره خود بر جهان اسلام به برخی از شامیان اجازه داد تا او را (( امیر مؤمنان )) بنامند.<sup>(۲)</sup>

۲- باز گرداندن والی شام: معاویه هنگامی که با خیر شد سهل بن حنیف استاندار علی بن ابی طالب (علیه السلام) بر شام به سوی دمشق می آید، به یارانش دستور داد تا وی را از تبوک به مدینه منوره باز گردانند.<sup>(۳)</sup>

۳- دعوت به شورش و مخالفت: معاویه در راستای اهداف خود برای تضعیف خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) برخی از اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله) را به شورش علیه آن حضرت تحریک

<sup>۴</sup> - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، الجزء الاول، ص ۲۳۱.

۵ - نصرین مزاحم، پیشین، ص ۷۱، ابن اعثم پیشین، المجلد الاول، ص ۵۴۳.

قلزم شهری بر ساحل دریای مدیترانه میان مصر و ایله ر. ک. یعقوبی، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آبی، ص ۱۱۹.

۱ - ابن اعثم، پیشین، المجلد الاول، ص ۵۵۰.

۲ - نصرین مزاحم، پیشین، ص ۸۰.

۳ - ابو حنیفه دینوری، الاخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۱۷۷.

گفت: (( مصر بزرگ تر از شام است و خیر آن زیاد است و جمعیت فراوان دارد و مردم آن نیکوکارند. مصر برای شما موجب عزت و برای دشمنان عامل خواری و سرفکنندگی است. انشاءالله فردا برای کمک به برادران حاضر شوید، ولی بر خلاف فرمان امیر مؤمنان (علیه السلام) بیش از یکصد نفر برای حرکت آماده نشدند. (۶) آن حضرت پس از یک ماه تلاش تنها دو هزار نفر را بسیج کرد و به فرماندهی کعب بن مالک آرحبی به کمک محمد بن ابی بکر فرستاد. در این هنگام خبر کشته شدن محمد واز دست رفتن مصر به آن حضرت رسید، به همین واسطه وی دستور داد کعب بن مالک و سپاهیان را بازگردانند. (۷) عمرو بن عاص با کمک هواداران معاویه به مصر وارد شد و به جنگ محمد بن ابی بکر رفت. محمد به همراهی کنانه بن بشر تجیبی با چهار هزار نفر به مقابله عمرو بن عاص رفت ولی با کشته شدن کنانه یارانش گریختند. محمد به خرابه ای پناه برد ولی معاویه بن حدیج از یاران معاویه به او دست یافت و بر خلاف وساطت برادرش عبدالرحمان بن ابوبکر او را بکشت. (۸)

مسلمه بن مخلد انصاری و معاویه بن حدیج سکونی را که در پیکار صفین حضور داشتند به مصر فرستاد تا آنان مردم آنجا را به مخالفت با علی (علیه السلام) و خونخواهی عثمان بخوانند. هنگامی که آن دو به مصر رسیدند شورش بر پا کردند. علی (علیه السلام) برای اصلاح امور مصر مالک بن حارث اشتر نخعی را برای حکومت مصر فرستاد ولی معاویه جایستار مامور خراج قلمزم (۱) را واداشت داشت تا مالک را با شربت عسل آغشته به سم مسموم سازد و او را به شهادت رساند. (۲)

پس از اعلام رای داوران پیمان حکمیت، معاویه نامه ای به یاران خود در مصر نگاشت: (( به زودی ما بر اوضاع مسلط خواهیم شد. شما به مخالفت خود ادامه دهید. لشکر ما بر شما سایه خواهد افکند. و هر چه را خواسته باشید بر می آورند. )) (۳) معاویه سپس عمرو بن عاص را به همراهی شش هزار نفر به مصر فرستاد. (۴) محمد بن ابی بکر والی مصر، امیر مؤمنان (علیه السلام) را از اوضاع مصر با خبر ساخت و از وی درخواست کمک کسرد. (۵) علی (علیه السلام) برای ارسال نیرو به مصر به کوفیان

۱- طبری، تاریخ، الجزء الرابع، ص ۷۱.

۲- ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ص ۱۷۷.

۳- یعقوبی، تاریخ، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، جلد دوم، ص ۹۸.

۴- بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق محمودی، الجزء الثاني، ص ۴۰۱.

۵- ابواسحاق ثقفی کوفی، پیشین، ص ۱۹۱.

۲- همان، ص ۱۹۲.

۷- بلاذری، پیشین، الجزء الثاني، ص ۴۰۳؛ طبری، پیشین الجزء الرابع، ص ۷۹.

۸- ابواسحاق ثقفی کوفی، پیشین، ص ۱۹۴.



### با زتاب تصرف مصر:

هنگامی که خبر کشته شدن محمد بن ابی بکر به شام رسید به دستور معاویه مردم شام به شادی و سرور پرداختند به گونه ای که شام غرق در شادی گردید.<sup>(۱)</sup> از سوی دیگر چون خبر شهادت محمد به امیر مؤمنان (علیه السلام) رسید چنان ناراحت گردید که در سیمای وی غم و اندوه نمایان بود. آن حضرت در سخنانی خطاب به کوفی ها گفت: ((به خدا که من خود را به کوتاهی و درماندگی در کار خویش سرزنش نکنم و من در سختی های جنگ کوشا و بینا هستم در اداره امور پیشتازم و راه حزم احتیاط را می شناسم و رای درست را استوار می داریم. پنجاه و چند روز شما را به فریاد رسی برادرنتان دعوت کردم و شما به سان شتری که از درد ناف می نالد، ناله سردادید و همانند کسی که برای جنگ با دشمن مصم نیست و اجر و ثوابی نمی خواهد، زمین گیر شدید تا این که از میان شما یک سپاه کوچک ناتوانی نزد من بیرون شد گویی با چشم باز ته پرتگاه مرگ کشانده می شوند. اف بر شما باد))<sup>(۲)</sup>

ب- طرح جدایی بصره:

یکی دیگر از حلقه های توطئه معاویه علیه امنیت حوزه خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) طرح تصرف بصره به وسیله عبدالله بن عمرو بن حضرمی بود. معاویه از غیبت

ابن عباس در بصره سود جست و ابن حضرمی را برای خونخواهی عثمان به بصره فرستاد. وی هنگامی که به بصره آمد با کمک قبیله بنی تمیم به جز محله ازد بر دیگر محله های بصره تسلط یافت. زیاد نماینده ابن عباس در پناه قبیله ازد بیت مال و منبر را در مسجد خندان محله ازد جای داد و اوضاع بصره را به ابن عباس نوشت. علی (علیه السلام) هنگامی که از آشوب بصره با خبر شد یکی از یاران خود به نام اعین بن ضبیعه مجاشعی را به بصره فرستاد تا بنی تمیم را از همراهی ابن حضرمی بازدارد ولی بنی تمیم او را در خانه اش غافلگیر کرده و کشتند.<sup>(۳)</sup> امیر مؤمنان (علیه السلام) پس از کشته شدن سفیر خود یکی دیگر از یاران خود به نام جاریه بن قدامه سعدی را به بصره فرستاد و با کمک شیعیان امیر مؤمنان (علیه السلام) و قبیله ازد مقاومت ابن حضرمی و قبیله بنی تمیم را بشکست و ابن حضرمی و هفتاد نفر از یارانش را که در خانه ای مخفی شده بودند، بسوزانید.<sup>(۴)</sup> زیاد با کمک ازدی ها به دار الاماره رفت و بیت مال را به نزد خود باز گرداند و بر شهر مسلط شد.<sup>(۵)</sup>

ج- شورش در مکه:

یکی از دیگر از توطئه های خطرناک معاویه علیه امیر مؤمنان (علیه السلام) طرح

<sup>۱</sup>- بلاذری، پیشین، الجزء الثانی، ص ۲۲۷

<sup>۲</sup>- طبری، پیشین، الجزء الرابع ص ۸۵

<sup>۳</sup>- ابواسحاق نفقی کوفی، پیشین، ص ۲۸۲

نام خونخواهی عثمان تحریک کرد و سپاهی مرکب از ۸۳ هزار نفر را علیه علی (علیه السلام) بسیج کرد و به سوی عراق رهسپار شد.<sup>(۴)</sup> در پی اقدام بی‌خردانه معاویه، امیر مؤمنان (علیه السلام) مردم عراق را به نام جنگ با دشمنان خدا و قرآن و سنت و کشتندگان مهاجران و انصار بسیج کرد و با سپاهی بالغ بر نود هزار نفر به سوی شام حرکت کرد. سپاه شام و عراق پس از یک جنگ فرسایشی و با تلفات بسیار سرانجام در روز دهم صفر سال سی و هفت با یکدیگر صلح کردند. معاویه هنگامی که فرجام خود را شکست و ناپودی دید و چندین بار از سر پرده خود فرار کرد<sup>(۵)</sup> به حبله و نیرنگ متوسل شد. وی با ارسال سفیر به نزد امیر مؤمنان (علیه السلام) خواهان خودمختاری بر شام شد. معاویه با فریفتن دو نفر از رهبران قبایل بزرگ عراق که خواستار بی‌نتیجه بودن جنگ برای حفظ موقعیت خود بودند، به نام‌های خالد بن معمر سدوسی بزرگ ربیع<sup>(۶)</sup> و اشعث بن قیس کنندی رهبر کِنْدَه<sup>(۷)</sup> شکاف عمیقی در سپاه امیر مؤمنان (علیه السلام) وارد کرد و حملات سهمگین سپاه آن حضرت را متوقف کرد و سرانجام قرآن‌ها را بر سر نیزه کرد. در این هنگام اشرافیت قبیله ای سود جو

تصرف مکه، در هنگام مراسم حج سال سی و نه هجری بود. وی سپاهی را به فرماندهی یکی از یاران خود به نام یزید بن شجره رهاوی به مکه فرستاد قُثم بن عباس والی امیر مؤمنان (علیه السلام) چون کناره‌گیری مردم مکه را دید مصمم به خارج شدن از مکه بود ولی نامه‌ی علی (ع) مبنی بر مقاومت به وی رسید و او در مکه بماند.<sup>(۱)</sup>

یزید در روز هفتم ذی‌حجه وارد مکه شد و از مردم خواست متعرض وی نشوند. سرانجام با وساطت قریش و انصار بین یزید و قُثم پیمان صلح بسته شد. امیر مؤمنان (علیه السلام) چون از حمله سپاه معاویه به مکه با خبر شد سپاهی به فرماندهی مَعْقِل بن قیس به مکه فرستاد.<sup>(۲)</sup> به همین سبب یزید با سپاه خود پس از مراسم حج از مکه گریخت و مَعْقِل آنان را تعقیب کرد و چند نفر از آنان را اسیر و اموالی از آنان را به غنیمت گرفت و به کوفه بازگشت.<sup>(۳)</sup> بسدین سان طرح تصرف مکه خنثی و اقتدار سیاسی امیر مؤمنان (علیه السلام) بر مکه تثبیت شد.

#### د- اقدام نظامی در قالب جنگ صفین:

هنگامی که امیر مؤمنان (علیه السلام) به معاویه نامه نوشت که از سرنوشت طلحه و زبیر عبرت بگیرد و بیعت کن معاویه با مشورت عمرو بن عاص، بزرگان شام را به

۴- ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیامه، الجزء الاول، ص ۹۳

۵- ابوحنیفه دینوری، پیشین، ص ۲۲۵

۶- نصرین مزاحم، پیشین، ص ۳۰۶

۷- ابن اعثم، پیشین، المجلد الثانی، ص ۱۶۱

۱- ابواسحاق ثقفی کوفی، پیشین، ص ۳۸۶

۲- بلاذری، پیشین، الجزء الثانی، ص ۴۶۲

۳- ابواسحاق ثقفی، پیشین، ص ۳۵۱

۲- یورش عبدالله بن مسعوده فزاری به تیماء: معاویه عبدالله را با هزار و هفتصد نفر به تیماء فرستاد. امیر مؤمنان (علیه السلام) مسیب بن نجبه فزاری را با دو هزار نفر به مقابله وی فرستاد. بین آن دو پیکار در گرفت ولی عبدالله به شام فرار کرد.<sup>(۲)</sup>

۳- یورش نعمان بن بشیر انصاری به عین التمر: معاویه نعمان را با دو هزار نفر به عین التمر فرستاد ولی مالک بن کعب ارحبی والی این منطقه به او حمله کرد و نعمان به شام گریخت.<sup>(۳)</sup> علی (علیه السلام) از مزدم کوفه برای یاری مالک بن کعب کمک خواست. و به آنان گفت: (اف بر شما باد! چه ناگواری ها از شما دیدم، یک روز با شما راز گفتم و یک روز بر شما فریاد زدم. در برابر فریاد خود پاسخی ندیدم و یاران راستین برای جنگ نیافتم. به خدا من گرفتار شما شدم، کورهایی که نشوند و لالهایی که نفهمند. کورهایی که نبینند. وای بر شما به یاری برادر خود مالک بن کعب که نعمان بن بشیر با گروهی از شامیان که بسیار نیستند بر او تاخته است، بیرون شوید تا شاید خداوند به وسیله شما یکی از ستمکاران را نابود کند.)<sup>(۴)</sup>

۴- حمله سفیان بن عوف غامدی: وی به دستور معاویه به شهرهای هیت و انبار و یادگان ها و روستاهای آن جا حمله کرد

و منفعت طلب و تمامت خواه به همراه زاهدان متنسک و کج فهم وقاریان ساده اندیش، شهد گواری پیروزی را که شهسوار نامی اسلام مالک اشتر در یک قدمی آن بود به تلخ کامی تبدیل نمودند و امیر مؤمنان را ناگزیر به قبول حکمیت کردند.

اگر چه معاویه در پیکار صفین پیروز نشد و تلفات سختی را متحمل شد ولی موفق گردید در پیمان صلح لقب امیر مؤمنان را از نام علی بن ابی طالب (علیه السلام) حذف کند و راه را برای سرکشی خود هموار کند به گونه ای که علی (علیه السلام) در این باره فرمود: این توطئه ظاهرش ایمان و بساطن آن دشمنی و کینه توزی است، آغاز آن رحمت و پایان آن پشیمانی است.<sup>(۵)</sup>

#### ۵- جنگ و گریزهای پراکنده معاویه:

۱- یورش ضحاک بن قیس فهري: معاویه در سال سی و نه هجری ضحاک را با سه هزار نفر به نواحی حیره و غرب فرات تا ثعلبیه بر راه حجاز فرستاد وی به بیابان گردان حمله برد و اموال آنان را غارت کرد و دوستان علی (علیه السلام) را کشت و پادگان ها را غارت کرد و تا قطفانان نزدیک کوفه پیش رفت. علی (علیه السلام) حُجْر بن عدی کِنْدی را با چهار هزار نفر به تعقیب وی فرستاد. حجر در تدمر به ضحاک رسید ولی وی با تلفاتی به شام گریخت.<sup>(۶)</sup>

۲- طبری، پیشین الجزء الرابع، ص ۱۰۳.

۳- ابواسحاق ابراهیم ثقفی، پیشین، ص ۳۱۱.

۴- ابواسحاق ابراهیم ثقفی، پیشین، ص ۳۱۲.

۱- نهج البلاغه محمد دشتی، خطبه ۱۲۲، ص ۲۲۲.

۲- بلاذری، پیشین الجزء، الثاني، ص ۴۳۸.

بدهید سختی رو می آورد و حق و داد رخت بر بندد، این مرد غامدی به شهر انیار حمله کرده و مردان پاکدامنی را از پای در آورده است. شنیده ام مردی از دشمنان شما به منزل زنی مسلمان وزنی از اهل کتاب وارد شده و خلخال از پای آنان ربوده و گوشواره آنان را کنده است. آنان باز گشتند و کسی از ایشان آسیب ندیده است، اگر مسلمانی از غصه این ماجرا جان از قالب تهی کند مورد سرزنش من نخواهد بود. ننگ بر شما که این چنین خود را در تیررس آنان قرار داده اید. شما را غارت می کنند ولی حمله نمی کنید. با شما می جنگید ولی با آنان نمی جنگید. خدا را معصیت می کنند ولی شما رضایت می دهید. ای مرد نمایان نامرد! ای کودک صفتان بی خرد که عقل های شما به عروسان پرده نشین شباهت دارد! کاسه های غم و اندوه را جرعه جرعه به من نوشانید و با نافرمانی و ذلت پذیری، رای تدبیر مرا تباہ کردید. (۳) بدین سان آن حضرت از عدم امنیت و عواقب ناگوار آن اظهار ناراحتی کرده و بر اثر ناامنی و حمله به شهرها و زنان مسلمان و اهل کتاب افسرده و بیمار می گردند.

راستی! چرا این چنین علی (علیه السلام) از دست کوفی ها خشمگین و ناراحت است. مگر اینان نبودند که در پیکار جمل علی (علیه السلام) را یاری کردند و آن حضرت

و اشرس بن حسان بکری فرماندار انبار و سی نفر از یاران وی را بکشت. (۱) علی (علیه السلام) از کوفی ها کمک خواست ولی کوفه چنان ساکت و خاموش شده بوده که پاسخی به ندای امیر مؤمنان (علیه السلام) نداد. آن حضرت که سستی کوفی ها را دید خود پیاده به سوی نخيله حرکت کرد و مردم به دنبال او روان شدند. گروهی از بزرگان شهر گفتند: (( شما برگردید ما این کار را انجام می دهیم. )) علی (علیه السلام) فرمود: شما نه مرا و نه خودتان را کمک خواهید کرد.)) سرانجام آن حضرت با حزن و اندوه به منزل بازگشت و سعید بن قیس همدانی را احضار کرد و او را با هشت هزار نفر به تعقیب سفیان بن عوف فرستاد. سعید به تعقیب سفیان پرداخت ولی او فرار کرد. (۲)

علی (علیه السلام) تا بازگشت سعید بن قیس هم چنان محزون بود و چند روزی بیمار شد به گونه ای که نمی توانست خطبه بخواند. به همین سبب در نامه ای به مردم کوفه نوشت: (( جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را برای بندگان برگزیده اش باز کرده است. جهاد جامه پرهیزگاری و زره محکم خداوند است، هر که جهاد را ترک کند خداوند لباس خواری به اومی پوشاند و او را گرفتار بلا می کند و در دلش شبهات ایجاد می شود و خوار و لگد کوب می گردد، اگر جهاد را از دست

۳- بلاذری، پیشین، الجزء الثاني، ص ۴۴۲، ابواسحاق ثقفی، پیشین، ص ۳۲۶، نهج البلاغه محمد دشتی، خطبه ۲۷، ص ۷۵

۱- همان، ص ۲۵۱  
۲- ابواسحاق، ابراهیم ثقفی، پیشین، ص ۳۲۴

مرقال راه را برای عناصر فرصت طلب، دنیا طلب و ریاست طلب اشرافیت قبیله ای که خواهان حفظ موقعیت اشرافی خود بودند، همواره کرده و به همین دلیل اشعث بن قیس کِنْدِی شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی و محیطی را درک کرد و در شرایط حساس به عنوان یک نسخه قبیله ای حرکت اجتماعی تاریخی کوفه را به دست گرفت و مرجع تصمیم گیری عراقی ها شد و تغییرات اجتماعی وسیعی در ارزش ها به وجود آورد. وی موفق گردید دنیا دوستی، رفاه طلبی، آسایش جویی و سنت های قبیله ای را با ارزش های الهی و دینی و شهادت جویی، ایثار و فداکاری در راه دین جا به جا کند و عموم مردم کوفه را تحت تاثیر قرار دهد و دنیا طلبی را که ریشه در درون آنان داشت زنده کند.

۳- نخبگان باقی مانده از یاران و شیعیان خواص امیر مؤمنان (علیه السلام) همانند حُجر بن عدی، قیس بن سعد بن عباده، سعید بن قیس همدانی و عدی بن حاتم طایبی الگویی شخصیتی آنان چندان جذابیت نداشت که بتوانند کمبود افرادی مثل مالک اشتر را جبران و اقدامات نخبگان اشرافیت قبیله ای همانند اشعث بن قیس را خنثی کنند.

۴- شهر کوفه مسکن قبایلی بود که از مساکن سستی خود با همان بافت قبیله

بر آنان آفرین گفت و آنان را یاوران اسلام نامید. <sup>(۱)</sup> مگر همین شهر نبود که علی (علیه السلام) آن را ((جمجمه الاسلام)) و ((کنز الایمان)) و ((سیف الله)) خواند و مسلمان آن را ((قبه الاسلام)) نامید <sup>(۲)</sup> اکنون چرا این گونه مورد نکوهش آن حضرت قرار گرفته است.

شرایط اجتماعی و روانی که پس از جنگ صفین و نهروان در عراق حاکم شده بود نتیجه عوامل درونی و بیرونی بود. جامعه کوفه از خارج مورد هجوم ۱- توطئه ها و نیرنگ ها و یورش های نظامی معاویه ۲- تبلیغات مسموم و تحریکات جاسوسان معاویه در عراق ۳- وعده ها و توافقی های میان معاویه و اشرافیت قبیله ای عراق، واقع گردید.

#### عوامل درونی این سستی عبارتند از:

۱- بافت نژادی گوناگون و سنت های ناهمگون شهر کوفه که شهری تازه تأسیس بود و ساکنان آن از عناصر عرب بدوی دارای روحی سرکش خشن و ناآرام، استقلال طلب و شکاک و عناصری نیمه شهر نشین و شهر نشین از اعراب شمالی و جنوبی و موالی شکل گرفته بود.

۲- شهادت بزرگان و نخبگان یاران طرفدار حق، و وظیفه گرا و شهادت طلب مثل عمار بن یاسر، خزیمه بن ثابت و هاشم

<sup>۱</sup>- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابن طالب، الجزء الثالث، ص ۱۵۱.

<sup>۲</sup>- ابن سعد، الطبقات الكبرى، المجلد السادس، ص ۵.

و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند.))<sup>(۲)</sup> آن حضرت با خطبه ها و سخنان شیوا و دلنشین و بلیغ خود معرفت دینی و تربیت اخلاقی را در بین یارانش و مردم کوفه بسط داد.<sup>(۳)</sup> وی اهتمام بسیاری در تہذیب اخلاقی ساکنان کوفه به عمل آورد. اشرافیت دنیا طلب و منفعت طلب و ریاست طلب که مرجع تصمیم گیری اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی قبایل بودند با قدرت بلا منازعی که در قبیله خود داشتند، مانع ارتباط مستقیم اعضای قبایل با امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) شدند. این اشراف نگذاشتند مردم قبیله شان از دریای بیکران دانش آن حضرت سود ببرند و اصلاحات فرهنگی و تربیتی امیر مؤمنان (علیه السلام) نفوذ عمیقی پیدا کند و موجب تہذیب اخلاقی مردم شود و نظام شهروندی و مدنی واحد در قالب امت شکل گیرد و اهداف و تصمیم های پیشوای راستین جامعه در بین آحاد امت سرایت کند.

۵- بیشتر کوفی ها درک درستی از مفهوم و جایگاه و منصب الهی امام معصوم که خلیفه خداوند و جانشین رسول الله (صلی الله علیه و اله) است، نداشتند به همین سبب مقام آن حضرت را همانند خلفای پیشین بدون قداست در نظر داشتند و در برابر آن حضرت می ایستادند

ای بدون تربیت دینی کافی به این شهر مهاجرت نمودند و در فتوحات شرکت کردند. این قبایل افتخارات فراوانی در فتوح به دست آوردند که در نتیجه غرور و عصییت قبیله ای آنان بیشتر ظهور کرد و موقعیت اشراف این قبایل گسترش یافت. شایان توجه است علاوه بر آن که شیوخ این قبایل شایستگی دینی و اخلاقی کافی نداشتند. پس از رحلت رسول الله (صلی الله علیه و اله) رویکرد به آداب و سنن قبیله ای در جامعه اسلامی ظهور کرد و طی ۲۵ سال، خلفا دغدغه خاطر فرهنگ زدایی قبیله ای و جایگزینی تربیت دینی و اخلاقی را در جامعه نداشتند. به طوری که علی (علیه السلام) به کوفی ها فرمود: (( شما اکنون دست از رشته اطاعت از اسلام کشیدید با زنده کردن فرهنگ جاهلی دژ محکم الهی را در هم شکستید.))<sup>(۱)</sup>

امیر مؤمنان (علیه السلام) این فساد را به خوبی درک کرد و تغییرات وسیعی در ترکیب گروه بندی قبایل در کوفه ایجاد کرد و بارها موقعیت اشرافیت قبایل را تضعیف کرد آن گونه که در خطبه قاصعه فرمود: (( زنهار از پیروی بزرگانستان، زیرا آنان شالوده تعصب جاهلی و پایه های فتنه

<sup>۱</sup>- همان، ص ۲۸۵

<sup>۲</sup>- در خطبه قاصعه آنان را از پیروی شیطان، خود پسندی، تکبر، اخلاق جاهلی و ستمگری بر حذر داشت و فلسفه احکام و عبادات را برای آنان بیان کرد

<sup>۱</sup>- نهج البلاغه محمد دشتی، خطبه ۱۹۲ (قاصعه) ص

جانشین عبیدالله بن عباس را بکشت و دستور داد شیعیان بسیاری را در صنعا و مأرب به قتل رسانیدند.<sup>(۳)</sup> وی سپس به شهر جیشان لشکر کشید و کشتار فجیعی به راه انداخت. بئر سپس به صنعا باز گشت و فرزندان عبیدالله بن عباس و بسیاری دیگر از شیعیان و یکصد نفر از پیرمردان ابناء ایرانی را کشت.<sup>(۴)</sup> و به دعوت وائل بن حجر حضرمی به حضر موت لشکر کشید.<sup>(۵)</sup>

امیر مؤمنان (علیه السلام) چون از حملات بسر با خبر شد جاریه بن قدامه سعدی و وهب بن مسعود ثقفی را با چهار هزار نفر به تعقیب بسر فرستاد. جاریه موفق شد بسر را از یمن بیرون کند. وی به مکه گریخت ولی با مخالفت مردم روبرو شد به ناچار به یمامه رفت و از راه سماوه به شام گریخت. بسر بن ارتاه در حملات خود سی هزار نفر از شیعیان را کشت و خانه های بسیاری را آتش زد.<sup>(۶)</sup>

بدین سان بر اثر سستی و ترسویی دو والی هاشمی علی (علیه السلام) قثم و عبیدالله و فرار ابویوب انصاری، بسر بن ارتاه شهرهای بسیاری را غارت کرد و کشتارهای فجیعی از شیعیان به راه انداخت درحالیکه سپاه او کمتر از سه هزار نفر بودند و اگر فرمانداران علی (علیه السلام) در مدینه

۶- خستگی از سه جنگ داخلی بدون نتیجه و غنیمت که کشته های بسیاری از کوفی ها گرفته بود و آنان را داغدار کرده بود بر تشدید شرایط سستی کوفی ها می افزود.

و- حمله بسر بن ارتاه به حجاز و یمن:

هم زمان با یورش های سرداران معاویه به حوزه خلافت امیر مؤمنان علیه گروهی از هواداران عثمان در شهرهای صنعا و جند به نام خونخواهی عثمان بلوا و شورش بر پا کردند و اوضاع را به معاویه گزارش کردند<sup>(۱)</sup> و نیز بسر بن ارتاه قرشی که مردی خونریز و بی رحم بود را با سپاهی به حجاز و یمن فرستاد، هنگامی که بسر به مدینه منوره حمله کرد ابویوب انصاری والی علی (علیه السلام) از شهر گریخت. بسر نیز ابویوب را حاکم مدینه قرار داد.<sup>(۲)</sup> و شام، مکه شد. در بین راه گروهی را کشت و اموالی را غارت کرد. قثم بن عباس والی مکه از شهر فرار کرد و بسر، شیبیه بن عثمان را والی مکه قرار داد و به سوی یمن حرکت کرد و در راه بسیاری از شیعیان علی (علیه السلام) را کشت. هنگامی که بسر به یمن رسید، عبیدالله بن عباس والی امیر مؤمنان (علیه السلام) فرار کرد. بسر به نجران رفت و والی شهر را کشت و سپس به سرزمین همدان رفت و گروهی از شیعیان را بکشت و به صنعا لشکر کشید و عمرو بن اراکه

<sup>۳</sup>- ابن اعثم کوفی، پیشین، المجلد الثانی، ص ۲۳۱.

<sup>۴</sup>- ابواسحاق ابراهیم ثقفی، پیشین، ص ۴۲۶.

<sup>۵</sup>- همان، ص ۴۲۳.

<sup>۶</sup>- همان، ص ۴۴۱.

<sup>۱</sup>- ابواسحاق ابراهیم ثقفی، پیشین، ص ۴۰۸.

<sup>۲</sup>- همان، ص ۴۱۶.

گردد و نتواند سپاهی را برای سر کوبی معاویه فراهم آورد.

۲- برهم زدن امنیت و آرامش شهرهای تحت اقتدار علی (علیه السلام) تا وانمود کند آن حضرت توان حفظ آنها را ندارد و نمی تواند از مردم شهرها حمایت کند. در این صورت عموم مردم خواهان برقراری امنیت می شدند و مشتاق کسی می گردیدند که بتواند آسایش را برای آنان به ارمغان آورد.

۳- ایجاد رعب و وحشت در میان مردم تا افراد ترسو و بی تفاوت دست از حمایت امیر مؤمنان (علیه السلام) بردارند و به سوی معاویه جذب شوند تا بزرگان قبایل و اشراف جویای نام و قدرت که دل در گرو مقام دنیوی داشتند از آن حضرت جدا شده و به معاویه بپیوندند، به گونه ای که حتی برخی از کارگزاران آن حضرت به واسطه عدالت و حسابرسی علی (علیه السلام) از آن حضرت بریدند و نزد معاویه گریختند.<sup>(۱)</sup> به گونه ای که وی گفت: (( اکنون بزرگان عراق سوار بر شترهای جوان می شوند و به سوی ما می آیند و این خود ما را نیرومی بخشند و آنان را تضعیف می کند و شما را عزت می دهد و آنها را ذلیل می گرداند، اکنون صبر کنید و شتاب نداشته باشید من هر گاه فرصت به دست بیاورم اقدام خواهم کرد.<sup>(۲)</sup>

و مکه راه او را سد کرده بودند این خونریزی ها انجام نمی شد.

### نتیجه:

معاویه چون از جنگ مستقیم برای براندازی خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) به طور کامل سود نجست از راه های دیگری هدف خود را دنبال کرد که عبارت بودند از:

۱- تخریب شخصیت علی (علیه السلام) با تبلیغات منفی و افتخار آفرینی برای خود و شامی ها.

۲- انتخاب لقب امیر مؤمنان (علیه السلام) برای خود.

۳- لشکر کشی به مصر و جدا کردن مصر از حوزه خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام).

۱- طرح براندازی و جدایی طلبی و ایجاد شورش در مکه و بصره که در این باره توفیقی نیافت

۲- تضعیف امنیت حوزه خلافت علی (علیه السلام) و کشتار شیعیان با ارسال گروه های غارتگر که با فداکاری و مبارزه شجاعانه برخی از یاران علی (علیه السلام) ختنی گردید، ولی این غارت ها بازتاب گسترده ای بر خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) به جای گذاشت که به شرح زیر می باشد:

۱- کشتار شیعیان و حامیان علی (علیه السلام) تا قدرت نظامی و منبع نیروی وی تضعیف

۱- ابواسحاق ابراهیم ثقفی، پیشین، ص ۳۵۷.

۲- همان، ص ۴۱.



سیاسی و توسعه و پیشرفت آن جلوگیری به عمل آورند. به همین روی بر آحاد ملت به ویژه مسئولان سیاسی، نظامی و امنیتی آن جامعه لازم است تا این نعمت بزرگ را پاس بدارند و در تضمین و ثبات بیشتر آن کوشا باشند.

### منابع و مآخذ

- ۱- آقا بخشی علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر تندر، ۱۳۶۳ ش.
- ۲- ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه ... العظمی المرعشی، بی تا.
- ۳- ابن اعثم کوفی، الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ هـ.
- ۴- ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ۵- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت دارالاضواء، بی تا.
- ۶- ابن قتیبه دینوری، الامامه والسیاسه، قم، انتشارات شریف الرضی، ۱۳۶۳ ش.
- ۷- ابو حنیفه دینوری، الاخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی، تهران، نشرنی، ۱۳۶۴ ش.
- ۸- بصیری محمد، تحولات مفهوم امنیت ملی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره یک، بهار ۱۳۷۹ ش، صص ۸۴-۶۹.
- ۹- برکو و تیز مورتون وی سی باک، امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷ ش ۷، صص ۲۰۶-۱۹۶.
- ۱۰- بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق محمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ هجری، الجزء الثانی.
- ۱۱- ثقفی ابواسحاق ابراهیم، الغارات، تحقیق السید عبدالزهراء الحسینی، بیروت، دارالاضواء ۱۴۰۷ هجری.

۴- مشغول نگاه داشتن علی (علیه السلام) به خوابانیدن شورش و جنگ و گریزهای پراکنده سپاهیان شام تا آن حضرت از بسیج یک لشکر نیرومند قوی علیه معاویه باز بماند.

۵- تضعیف بنیه اقتصادی حوزه خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) از راه تخریب روستاها و سوزاندن خانه های مردم و غارت اموال هواداران علی (علیه السلام).

۶- ایجاد روحیه بی تفاوتی، سستی و نافرمانی در بین مردم تابع حوزه خلافت امیر مؤمنان (علیه السلام) تا از همراهی و پیروی دستورات آن حضرت خود داری کنند.

۷- واداشتن امام به نقض عهد نامه صلح صفین تا علی (علیه السلام) را متهم به آن کند.

۸- غسار تگری های سپاهیان معاویه، ویرانی، کشتارهای فجیع شیعیان امیر مؤمنان (علیه السلام) و سستی و نافرمانی کوفی ها اسباب حزن و اندوه گسترده و بیماری جسمی و ناتوانی آن حضرت را فراهم کرد، به گونه ای که چند روزی نتوانستند در اجتماع و مسجد حضور پیدا کنند و این خسارت بزرگی برای جامعه اسلامی بود.

بدین سان بر ما روشن می گردد دشمنان پنهان و آشکار هر جامعه ای در صدد از بین بردن امنیت اجتماعی و امنیت ملی در آن می باشند، تا ثبات و امنیت آن را برهم زنند و از اصلاحات اجتماعی، فرهنگی



- ۱۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۳- طبری، محمد بن جریر، تاریخ، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ هجری.
- ۱۴- علی (علیه السلام) نهج البلاغه، ترجمه و تحقیق محمد دشتی، قم انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۵- منقری نصرین مزاحم، وقعه صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۱۰ هجری.
- ۱۶- موسویان سید عباس، کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم انتشارات دارالتقلین، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۷- یعقوبی، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ ش.
- ۱۸- یعقوبی، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۹- Rod Hague, Martin Harrop and shaun Breslin, Comparative Government and Politics An Introduction, London, Macmilan Press, LTO, 1992.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی